

راهبردهای وحدت و تقریب مذاهب اسلامی؛

مروری بر رهنمودهای مقام معظم رهبری

محمدابراهیم ساورسغلی

کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

چکیده

بدون تردید امروز وحدت میان امت اسلامی که اعم از ملتها و دولتهای اسلامی است، از ضروریترین نیازهای مسلمانان در برابر دشمنان قسم خورده به ویژه استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌المللی به شمار می‌رود. هم‌اکنون در کشورهای اسلامی شاهد وحشتناک‌ترین و تأسف‌بارترین صحنه قتل عام مسلمانان توسط یکدیگر که با توطئه‌ها و نقشه‌های دشمنان طراحی و به دست مزدوران تکفیری در جریان است، می‌باشیم. یقیناً این تلاش دشمنان در راستای مقابله و ترس از موج بیداری اسلامی است که منطقه را فرا گرفته و می‌رود تا تمدن اسلامی را احیا و جهان تشنه معنویت حقیقی را سیراب سازد. رهبران مذهبی و عالمان دینی، در راس آنان امام امت (ره) و مقام معظم رهبری در طول بیش از سه دهه بعد از انقلاب همواره تلاش و همت خود را برای تحقق آرمان وحدت امت اسلامی و تقریب بین مذاهب مصروف داشته‌اند و به شکرانه الهی این تلاشها ثمرات ارزشمند فراوانی داشته است که از جمله شیرین‌ترین آنها، نفرت جهان اسلام از قدرتهای استکباری و آغاز نهضت بیداری اسلامی در منطقه می‌باشد. در این مقاله نویسنده سعی نمود با توجه به حجم و ظرفیت مقاله و بضاعت علمی، اهتمام ویژه مقام معظم رهبری برای ایجاد وحدت و تقریب مذاهب اسلامی را که ناشی از دغدغه‌های ایشان در خصوص سرنوشت مسلمانان است، ترسیم نموده و تدابیر و رهنمودهای ایشان را مطرح و مورد بررسی قرار دهد. از این رو در این نوشتار مباحثی همچون مفهوم و مقصود از وحدت، ضرورت و اهمیت تقریب مذاهب، راهبردها و راهکارهای تحقق وحدت، موانع تقریب، ظرفیتهای جهان اسلام، راهبرد و اهداف دشمن در تعمیق اختلاف، وظیفه طیفهای مختلف جوامع اسلامی و ... مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: مقام معظم رهبری، وحدت، تقریب، مذاهب، بیداری اسلامی، امت اسلامی، اختلاف، دشمنان.

مقدمه

وحدت و همدلی میان مذاهب اسلامی، گمگشته‌دیرین و نیاز تاریخی و همیشگی امت اسلامی بوده است. عالمان دلسوز و مصلحان و احیاگران اندیشه دینی، همواره بر این نکته پای فشرده و شکوفایی دگرباره تمدن اسلامی،

اعتلای معنوی و خوشبختی مادی ملتها و دولتهای اسلامی را در گرو تحکیم پایه‌های اخوت اسلامی براساس آموزه‌ها و باورهای مشترک دینی و قرآنی دانسته‌اند.

اتحاد و انسجام صدها میلیون انسان پیرو شریعت اسلامی، نه ایده خیال‌پردازانه، که باور و آموزه‌ای برآمده از متن نصوص قرآنی و روایی رسیده از اهل بیت و اصحاب نبوی است. پیشینه و تبلور عینی وحدت اسلامی به سالهای نخستین بعثت پیامبر(ص) باز می‌گردد؛ پیامبر(ص) در نخستین سال ورود به مدینه میان مهاجران و انصار پیمان برادری بست و در جنگ احد که علایمی از اختلاف بین اصحاب به مشام می‌رسید، به یادآوری آیه صریح قرآن، در پرهیز مسلمانان از اختلاف و پراکندگی پرداخت و ضرورت یکپارچگی آنان حول محور حبیل‌الله (قرآن و اسلام) را گوشزد نمود: «و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام] چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد...» (آل عمران، ۱۰۳).

گویا جامعه اسلامی پس از پیامبر(ص)، شاهد گسسته‌ها و اختلافهایی بود که بر سر مدیریت و راهبری امت اسلامی و احیاناً فهم و رهیافت به معانی و تأویل آیات وحیانی و کلمات و سخنان پیامبر(ص) پیش آمد؛ اما رهبران و پیشوایان دلسوز و آگاه به شرایط و زمان برای حفظ کیان امت اسلامی از خطر زوال و فروپاشی، بزرگ‌ترین نرمش تاریخی و رفتار وحدت‌خواهانه را در پیش گرفته و هرگز جبهه جداگانه تشکیل ندادند و پرچم ستیز و تعارض با دسته مخالفان خویش بر نیافراشتند؛ بلکه همواره با حضور مشورتی و کارگشایانه، کمک کار نظام اسلامی بودند.

امروز نیز به واسطه ترس دشمنان از توسعه فرهنگ اسلامی و احیای روحیه خودباوری مسلمانان که ناشی از صدور انقلاب اسلامی است، شاهد توطئه ایجاد نزاع و اختلاف خانمان‌سوز بین مسلمانان هستیم. می‌بینیم که چگونه دشمنان کینه‌توز و غارتگر بر روی کشورهای اسلامی خیمه زده‌اند تا مانع از تشکیل امت واحده اسلامی شوند، از این رو بیش از پیش نیازمند وحدت و اخوت اسلامی حول محور اسلام، قرآن، پیامبر و بسیاری از مشترکات دیگر می‌باشیم. امت اسلامی باید با پیروی از رهبران خیرخواه و دلسوز و طرد جریان‌های افراطی که آتش جنگ را هر روز در کشورهای اسلامی توسعه داده و چهره نورانی اسلام را با فتنه‌های مذهبی و انجام ترور لکه‌دار نموده‌اند، فرهنگ گفتگو و تقریب را با رویکرد تقویت اخوت اسلامی و روحیه صفا و صمیمیت احیا نمایند. در این مسیر تدابیر و رهنمودها و هدایت‌های رهبری فرزانه انقلاب به عنوان شخصیتی که همواره دغدغه وحدت و انسجام مسلمانان را داشته‌اند، بسیار رهگشا و مغتنم می‌باشد.

مفهوم‌شناسی وحدت و تقریب مذاهب اسلامی

مهم‌ترین مسئله در فرایند گفتگو و تعاملات میان طرفهای قضیه از جمله بین مذاهب اسلامی داشتن فهم مشترک از موضوع مورد گفتگو؛ یعنی وحدت است؛ زیرا تا دقیقاً مشخص نشود منظور و مقصود از عبارت وحدت اسلامی یا تقریب مذاهب چیست و هرکس یا مذهبی براساس فهم و برداشت خود با آن مواجه شود، هیچ‌گاه اهداف مورد نظر، محقق نشده و گفتگوها به نتایج مفیدی منتج نخواهد گشت. از این رو رهبری معظم انقلاب که بیشترین بیانات را در خصوص وحدت و تقریب مذاهب اسلامی در مناسبتها و دیدارهای مختلف داشته‌اند، به عنوان یک رهنمود بارها به تعریف وحدت و تبیین مقصود و منظور نظام اسلامی از آن داشته‌اند، ایشان یکی از عوامل تفرقه‌آمیز را «مفاهیم مشتبه» دانسته، می‌گوید: «یکی از چیزهایی که این وحدت را خدشه‌دار می‌کند، مفاهیم مشتبه‌ای است که دائماً در فضای ذهنی مردم پرتاب می‌شود. هرکس هم آنها را به گونه‌ای معنا می‌کند. یک عده از یک طرف، یک عده از آن طرف؛ جنجال و اختلاف غیر لازم درست می‌شود. البته دشمن در همه این مسائل سود می‌برد» (۱۳۷۹/۱/۲۶).

ایشان ضمن رد برداشتهای غلط از مفهوم وحدت، تصریح می‌کند: «در ابتدا باید معلوم کنیم که مقصود ما از وحدت مسلمانان چیست؟ آیا مقصود این است که مسلمانان از مذهب خود دست بردارند و به مذهب دیگری اعتقاد پیدا کنند و عمل نمایند؟ نه، مقصود این نیست. ما وقتی به وحدت دعوت می‌کنیم، مقصود ما این نیست که فرق مسلمانان - اعم از شیعه و سنی - یا فرقی که داخل تشیع و تسنن هستند، موظف و مجبورند که از عقیده خود دست بردارند و به عقیده سومی یا به عقیده طرف مقابل، گرایش پیدا کنند ... مراد ما از وحدت اسلامی، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست ... مراد ما از وحدت دنیای اسلام، عدم تنازع است: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا» (انفال، ۴۶) تنازع نباشد، اختلاف نباشد» (۱۳۶۸/۷/۱۹ و ۱۳۸۵/۵/۳۰).

ایشان مجدداً ضمن طرح برداشتهای نادرست از وحدت، معنای مورد نظر را مطرح و تأکید می‌کند: «منظور ما از وحدت چیست؟ یعنی همه مردم یکسان فکر کنند؟ نه. یعنی همه مردم یک نوع سلیقه سیاسی داشته باشند؟ نه. یعنی همه مردم یک چیز را، یک شخص را، یک شخصیت را، یک جناح را، یک گروه را بخواهند؟ نه؛ معنای وحدت اینها نیست. وحدت مردم؛ یعنی نبودن تفرق و نفاق و درگیری و کشمکش. حتی دو جماعتی که از لحاظ اعتقاد دینی مثل هم نیستند، می‌توانند اتحاد داشته باشند؛ می‌توانند کنار هم باشند؛ می‌توانند دعوا نکنند» (۱۳۷۹/۱/۲۶).

ایشان در فرازی دیگر در تشریح بیشتر مفهوم وحدت و پاسخ به شبهات ایجاد شده می‌گوید: «ما می‌گوییم: ای مسلمانان عالم! در هر جای دنیا که هستید، اگر باهم دشمنی نکنید، علیه هم مبارزه و جنگ نکنید و دشمنان و دوستانتان را بشناسید، وضع زندگی شما با آنچه که امروز است، تفاوت خواهد کرد ... ما نمی‌گوییم که سنیهای عالم بیایند شیعه بشوند، یا شیعه‌های عالم دست از عقیده‌شان بردارند. ما چه موقع به عالم تسنن گفته‌ایم که منظورمان از

وحدت این است که شما شیعه بشوید؟! ما چنین چیزی نگفته‌ایم. ... حرف ما در هفته وحدت و به عنوان پیام وحدت این است که مسلمانان بیایند باهم متحد بشوند و با یکدیگر دشمنی نکنند. محور هم کتاب خدا و سنت نبی اکرم (ص) و شریعت اسلامی باشد. این حرف، حرف بدی نیست. این حرف، حرفی است که هر عاقل بی‌غرض و منصفی، آن را قبول خواهد کرد» (۱۳۶۸/۷/۱۹).

مقام معظم رهبری در پیام نوروزی خویش در سال ۱۳۸۶، ضمن اعلام موضوع وحدت ملی و انسجام اسلامی به عنوان شعار سال، به تعریف وحدت ملی و انسجام اسلامی پرداخته و می‌گوید: «امسال، سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی است؛ یعنی در درون ملت ما اتحاد کلمه همه آحاد ملت و قومیت‌های گوناگون و مذاهب گوناگون و اصناف گوناگون ملی؛ و در سطح بین‌المللی، انسجام میان همه مسلمانان و روابط برادرانه میان آحاد امت اسلامی از مذاهب گوناگون و وحدت کلمه آنها، ... معنای اتحاد بین ملت‌های اسلامی این است که در مسائل مربوط به جهان اسلام همسو حرکت کنند و به یکدیگر کمک کنند و در داخل این ملتها سرمایه‌های خودشان را بر علیه یکدیگر به کار نبرند» (۱۳۸۶/۱/۱).

روشنگری‌های رهبر معظم انقلاب در رابطه با مفهوم و مقصود از دعوت امت اسلامی به وحدت و ایجاد مفاهمه مشترک موجب گردید تا بستر و فضای گفتگو و تعامل نتیجه‌بخش برای عالمان و اندیشمندان مسلمان در داخل کشور و جهان اسلام فراهم شود و زمینه تفسیرهای غلط و بهانه‌جویی و فتنه‌انگیزی دشمنان از بین برود.

اهمیت و ضرورت تحقق عملی وحدت و تقریب مذاهب اسلامی

امروز هر مسلمان دلسوز و منصفی که اوضاع تأسف بار جهان اسلام را می‌بیند، حتی اگر نگاه سیاسی به مسائل جهان اسلام هم نداشته باشد به اهمیت و ضرورت تسریع در چاره‌اندیشی برای تحقق عملی وحدت اذعان و اعتراف می‌کند. چه رسد به انسان‌های فرهیخته، هوشمند و فرزانه که دست‌های کتیف و آغشته به خون قدرتهای استکباری و صهیونیستی را به صورت آشکار و نهان در آن مشاهده می‌کنند. مقام معظم رهبری براساس آموزه‌های دینی و مصالح امت اسلامی به عنوان یک تدبیر راهبردی بارها بر ضرورت و فوریت وحدت امت اسلامی تأکید نمود: «مرز میان پیروزی همه‌جانبه ملت ما، یا خدای نکرده ناکامی و هدر رفتن همه زحمات گذشته، یک چیز بیش نیست و آن وحدت کلمه میان مردم است» (۱۳۶۹/۸/۱۳).

با بررسی اجمالی بیانات و رهنمودهای ایشان موارد زیر را می‌توان از اساسی‌ترین ادله ضرورت وحدت مسلمانان بر شمرد:

۱. وحدت به عنوان یک مصلحت ملی و فریضه دینی: «وحدت و انسجام اسلامی امروز یک فریضه حتمی است که با همکاری خردمندان و دلسوزان متعهد می‌تواند راههای عملی آن پیموده شود. ... امروز مصلحت کشور، مصلحت ملت و مصلحت انقلاب، اتحاد کلمه و اتحاد دلها است» (۱۳۸۷/۷/۹ و ۱۳۸۶/۹/۲۴). «بایستی تفهیم کرد که وحدت بین مسلمانان، به صد دلیل واجب، و به صد دلیل ممکن است. بایستی دنبال کرد ... دشمنان وحدت چه کسانی هستند که می‌شود در دنیا یکی یکی آنها را با انگشت نشان داد؟ طرفداران وحدت چه کسانی هستند؟ آیا خدا و ملائکه و انبیا و اولیا از وحدت خرسند می‌شوند، یا ناراضی؟ اینها را می‌شود کاملاً با وجدان معمولی دینی و اسلامی مشترک بین همه مسلمانان فهمید» (۱۳۷۶/۱۲/۱۳).

۲. وحدت یک اصل اسلامی و مسئله استراتژیک برای نظام جمهوری اسلامی: «امروز وحدت برای شما هم تاکتیک و هم استراتژی و هم یک اصل اسلامی است و همیشه برای شما لازم است. ... هدف از این کار آن است که با شعار وحدت مسلمانان، که شعار درست و ضروری‌ای هم است و من از قدیم این اعتقاد و تفکر را داشتم و دارم و آن را یک مسئله استراتژیک می‌دانم. مسلمانان، به تدریج این اختلافات مذهبی و طایفه‌ای را کم کنند و از بین ببرند؛ چون در خدمت دشمنان است. ما با این انگیزه صحیح، مسئله وحدت مسلمانان را در جمهوری اسلامی، یک مسئله اساسی قرار داده‌ایم» (۱۳۶۹/۱/۲۶ و ۱۳۶۸/۷/۱۱).

۳. وحدت لازمه حیات و سربلندی امت اسلامی: «امروز امت اسلام برای حیات، سربلندی و نجات خود و برای برافراشتن پرچم اسلام به وحدت نیاز دارد. کدام منطقی است که در مقابل این مسائل بتواند مقاومت کند تا اختلاف ایجاد شود؟ وحدت بر همه ضرورتها و اولویتها ترجیح دارد و از آنها اولی‌تر و مقدم‌تر است. چرا ضرورت اتحاد بین مسلمانان را نمی‌فهمیم؟ بار سنگینی بر دوش ما است و این برهه، برهه حساسی است» (۱۳۸۳/۲/۱۸).

۴. مورد تهدید قرار گرفتن همه مسلمانان توسط آمریکا و صهیونیسم: «امروز برای مسلمانها، اتحاد و اتفاق، همدلی و همکاری، جزء فوری‌ترین و ضروری‌ترین است. ... امروز وقت آن رسیده است که دنیای اسلام بازنگری کند؛ بر روی مسئله وحدت به جد فکر کند. امروز تهدید آمریکا در این منطقه متوجه یک کشور و دو کشور نیست؛ متوجه همه است. امروز تهدید سرمایه‌داران صهیونیست پشت سر دستگاه حاکمه آمریکا، به بلعیدن یک قسمت از منطقه ما اکتفا نمی‌کند؛ همه منطقه را می‌خواهند ببلعند و امروز صریحاً هم این حرف را می‌گویند. ... وقتی همه مورد تهدیدند، عاقلانه‌ترین راه این است که همه به فکر بیافتند و دستها را در دست هم بگذارند» (۱۳۹۲/۳/۱۷ و ۱۳۸۳/۲/۱۸).

۵. وحدت تنها راه علاج بیماری اختلاف مسلمانان: «امروز مهم‌ترین دستاویز دشمن برای مقابله با بیداری اسلامی، ایجاد اختلاف است. مسلمان را در مقابل مسلمان قرار دادن، مسلمان را به دست مسلمان از بین بردن، اینها را به هم

مشغول کردن؛ چه چیزی بهتر از این برای دشمنان استقلال اسلامی که مسلمانان را به هم مشغول کنند؟ ... علاج این بیماری، احساس اتحاد بین مسلمانان است؛ ملت‌های مسلمان باید با هم متحد شوند. در داخل هر کشور، گروه‌های مختلف، مذاهب مختلف، جناح‌های مختلف، باید دست به دست هم بدهند؛ ... امروز راه، فقط این است» (۱۳۹۱/۱۱/۱۰).

۶. توانایی و تجهیزات دشمن: «امروز مسئله وحدت برای مسلمانان یک نیاز قطعی است. امروز دشمن اسلام و مسلمانان، دو خصوصیت دارد که در طول تاریخ این دو خصوصیت را نداشته است. یکی اینکه به شدت به مال، به سیاست، به تبلیغات، به انواع و اقسام ابزارهای اثرگذاری و نفوذ و ضربه زدن، مجهز است و هیچ وقت جبهه مقابل اسلام، این قدر به همه ابزارها مجهز نبوده است» (۱۳۷۴/۵/۲۴).

بهره‌گیری از ظرفیتهای جهان اسلام: «امروز دنیای اسلام بیش از همیشه، به اتحاد و یکدلی و تمسک به قرآن نیازمند است. از سویی، ظرفیتهای جهان اسلام برای توسعه و عزت و اقتدار، امروز بیش از گذشته آشکار شده و بازیابی مجد و عظمت امت اسلامی، امروز در سراسر جهان اسلام، انگیزه و خواست جوانان و فرزندان شده است. شعارهای منافقانه مستکبران، رنگ باخته و نیات پلید آنان برای امت اسلامی، به تدریج آشکار شده است» (۱۳۸۳/۱۰/۲۹).

آثار و برکات وحدت در جامعه

تأکید و توصیه فراوان متون دینی و سفارشات رهبران و مصلحان جهان اسلام به تقویت وحدت و یکدلی میان امت اسلامی، به جهت آثار و برکات ارزشمند و گران‌سنگی است که به واسطه آن نصیب مسلمانان می‌گردد. مقام معظم رهبری بارها در رابطه با امام خمینی (ره) نقل کردند که حفظ وحدت کلمه وصیت دائمی امام بود. «شاید در طول ده سال بعد از انقلاب، کمتر مسئله‌ای به اندازه «وحدت» مورد تأکید آن بزرگوار بود» (۱۳۶۸/۴/۳). برخی از این آثار پر برکت از منظر مقام معظم رهبری عبارتند از:

۱. حفظ امنیت: «من بر روی «وحدت ملی» تأکید بیشتری دارم؛ به خاطر اینکه امنیت هم ناشی از وحدت است. اگر وحدت نباشد، امنیت ملی هم به خطر می‌افتد و ایجاد ناامنی می‌شود» (۱۳۷۹/۱/۲۶).

۲. پشتوانه دولتمردان و مایه ابهت و عظمت کشور: «برادران مسلمان وحدت اسلامی را بر افتراق مذاهب شیعه و سنی ترجیح دهند و نگذارند اختلاف مذهبی به اختلاف مشی و روش و جهت‌گیری منتهی شود. وحدت اقوام ایرانی، وحدت مذاهب اسلامی، وحدت جریانهای گوناگون سیاسی، تضمین کننده ابهت کشور است» (۱۳۸۸/۲/۲۸). «وحدت ملی همان چیزی است که می‌تواند پشتوانه همه تلاشهای دولتمردان و مبارزان و دلسوزان این کشور و این

انقلاب باشد. بدون وحدت ملی این کشور بزرگ‌ترین نیروی خود و مایه عظمت خود را نخواهد دانست ... وحدت ملی شعار اساسی و حیاتی برای کشور ما است و مخاطب این شعار افراد خاصی نیستند، همه هستند آحاد مردم مسئولند ... وحدت ملی برای همه ملت شعار بزرگی است» (حدیث ولایت، خامنه‌ای، ج ۱، ص ۲۲۹).

۳. بهره‌مندی از ایمان، عدالت و علم در جامعه: «آنچه که زمینه و بستر به کار گرفتن ایمان و عدالت و علم است، اتحاد ملی و آرامش در سطح کشور است. اگر در کشور آرامش نباشد، نه از علم می‌شود بهره‌برداری کرد، نه از ایمان، و نه می‌شود عدالت را در جامعه مستقر کرد» (۱۳۸۵/۳/۱۴).

۴. ایجاد رعب در ابرقدرتها: «آن چیزی که ابرقدرتها را در مقابل ملت ایران مرعوب کرده است، در وجه اول وحدت کلمه بود» (حدیث ولایت، خامنه‌ای، ج ۱، ص ۱۱۰).

۵. جلب لطف و نعمت الهی و مجذوب ساختن دلها: وحدت عمومی تمام قشرها و طبقات نیز موجب جلب الطاف و نعمتهای الهی می‌شود. باید مثل گذشته از آن نگهداری کرد و در میان عامه مردم گسترش داد. اگر قرار باشد ارزشهای اسلامی به صورت ارزشهای قطعی در دنیا مطرح شود و دل انسانها را جذب کند و بر مبنای آن در زندگی مسلمانها تغییری به وجود آید، باید وحدت بین آنها حفظ شود. با شعبه شعبه شدن و دشمنی کردن و جنگ فرقه‌ای راه انداختن، امکان ندارد که مسلمانان به وحدت دست یابند (۱۳۶۸/۴/۱۰ و ۱۳۶۸/۵/۸).

پیامدهای سوء تفرقه و اختلاف در جامعه

در مجموعه و منظومه سخنان مقام معظم رهبری یکی از کلیدی‌ترین واژه‌ها، پرهیز دادن آحاد مسلمانان از ایجاد یا دامن زدن به اختلافات است. به ویژه خواص، یعنی افرادی که حساس هستند و حرکات و حرف و اشاره و تصریح آنها در مردم اثر می‌گذارد، اینها باید مواظب باشند که کار آنها به ایجاد اختلاف و تفرقه دامن نزنند. ایشان همواره تأکید دارند: «کسانی که قلم در دستشان و تریبون در اختیارشان است، کسانی که در میان مردم از وجههای برخوردارند، باید خیلی مراقبت کنند. باید وحدت کلمه را حفظ کرد؛ این وصیت دائمی امام بود. شاید در طول ده سال بعد از انقلاب، کمتر مسئله‌ای به اندازه «وحدت» مورد تأکید آن بزرگوار بود» (۱۳۶۸/۴/۳). علت این همه تأکید، عوارض و پیامهای سوء تفرقه و اختلاف است. در اینجا به مواردی از این آثار منفی که توسط ایشان بیان شده است، اشاره می‌شود:

۱. از بین رفتن نیروی حیاتی و نابودی کشور: «برای این ملت هیچ عاملی مضرتر از اختلاف و تفرقه نیست. سهم مهلک برای ملتها و تمدنها و انقلابها اختلاف است، اگر بهترین ملتها دچار اختلاف و دودستگی شوند، همه نیروی حیاتی خودشان نه تنها از بین می‌رود، بلکه در جهت ویرانی کشور به کار می‌افتند. عزیزان من یک ملت هرچه

قدرتمند، هرچه ثروتمند باشد، اگر اختلاف در بین آحادش ریشه گرفت و آتش اختلاف مشتعل شد، بدبخت و بیچاره خواهد شد» (۱۳۶۸/۳/۳۰ و ۱۳۷۷/۱۰/۴).

۲. شکسته شدن شکوه و قدرت ملت و ضربه خوردن کل امت اسلام: «اختلاف و تفرقه میان امت اسلامی موجب می‌شود معنویت، طراوت، قدرت، شکوه و عظمت ائتلاف ملی شما را هم بشکنند و همان‌طور که قرآن فرموده «وَتَذَهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال، ۴۶)، تقریب را لازم و واجب و ضروری و در جهت اهداف نظام اسلامی می‌دانیم و معتقدیم وحدت‌شکنی ضربه بزرگی نه فقط به ما، بلکه به کل امت اسلامی است» (۱۳۸۱/۱۲/۴ و ۱۳۸۲/۲/۲۲). «امروز این ضعف و ذلتی که مسلمانان کشورهای در دنیا دچار آن شده‌اند، ناشی از همین تفرق و اختلاف است. اگر مسلمانان متحد بودند، فلسطین این‌طور نمی‌شد. بوسنی آن‌طور نمی‌شد. کشمیر آن‌طور نمی‌شد. تاجیکستان این‌طور نمی‌شد. مسلمانان اروپا، آن‌طور در محنت زندگی نمی‌کردند. مسلمانان در آمریکا، آن‌طور مورد زورگویی قرار نمی‌گرفتند. علت این است که ما با هم اختلاف داریم» (۱۳۷۲/۶/۱۴).

۳. از بین رفتن توانایی‌های علمی و فکری مسلمانان: «حقاً وضع مسلمانان از لحاظ تضادها و اختلافات مذهبی، تأسف‌انگیز است. بسیاری از توانایی‌های باارزش علمی و فکری مسلمانان در طول تاریخ، صرف تعارض با یکدیگر شده است. اشتباه نشود» (۱۳۷۰/۷/۰۱).

۴. در حاشیه قرار گرفتن مسائل اصلی و امکان عملی شدن نقشه دشمن: «وقتی مسلمانها سرشان به اختلاف با یکدیگر مشغول شد، مسئله فلسطین در حاشیه قرار می‌گیرد؛ ایستادگی در مقابل زیاده‌خواهی آمریکا و غرب، در حاشیه قرار می‌گیرد؛ آنها امکان پیدا می‌کنند که نقشه‌های خودشان را عمل کنند» (۱۳۹۱/۱۱/۱۰).

۵. وسیله نفوذ دشمن: «امروز بیشتر از همه باید به وحدت کلمه مسلمانان اهمیت داد؛ چون اختلاف، راه همیشگی نفوذ دشمنان در جوامع اسلامی است. باید بیش از گذشته، «وحدت» را برای اسلام و پیشرفت به سمت هدفهای اسلامی و سازندگی کشور رعایت کرد. خیلی مراقب باشید که نفوذیهای دشمن، پرچمهای اختلاف را بلند نکنند. هر پرچم اختلافی که بلند شد، شما آن را متهم کنید که نفوذی دشمن است، هرچند خودش نداند» (۱۳۶۸/۷/۵ و ۱۳۶۸/۴/۱۳).

راهبردها و راهکارهای حفظ و تقویت وحدت و تقریب مذاهب اسلامی

۱) رعایت و حفظ احترام متقابل نسبت به ارزشها و نمادهای مقدس یکدیگر

بدون شک الفبای تحقق وحدت و تقریب میان پیروان مذاهب و اساسی‌ترین اقدام در این رابطه، احترام متقابل نسبت به ارزشها و باورهای یکدیگر است. تا زمانی که دعوت به وحدت همراه با اهانت به ارزشها و مقدسات

همدیگر باشد، این مهم صرفاً در حد یک آرزو و آرمان اسلامی باقی خواهد ماند. مصادیق و راهکارهای رعایت احترام متقابل را در روشهای زیر می‌توان پیگیری کرد:

الف) میدان دادن و تحمل نمودن افکار و اندیشه یکدیگر: «سنی و شیعه هر کدام مراسم مذهبی خودشان را، آداب خودشان را، عادات خودشان را، وظایف دینی خودشان را انجام می‌دهند و باید بدهند، ... مراد ما از وحدت اسلامی، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست. میدان برخورد مذاهب و عقاید اسلامی و عقاید کلامی و عقاید فقهی - هر فرقه‌ای عقاید خودش را دارد و خواهد داشت - میدان علمی است؛ میدان بحث فقهی است؛ میدان بحث کلامی است و اختلاف عقاید فقهی و کلامی می‌تواند هیچ تأثیری در میدان واقعیت زندگی و در میدان سیاست نداشته باشد» (۱۳۸۸/۲/۲۹ و ۱۳۸۵/۵/۳۰).

«اختلاف بین طرف‌داران دو عقیده بر اثر تعصبات، یک امری است که هست و طبیعی است، و مخصوص و سنی هم نیست. بین فرق شیعه، خودشان؛ بین فرق سنی، خودشان؛ در طول زمان از این اختلافات شیعه وجود داشته است. تاریخ را نگاه کنید، می‌بینید هم بین فرق فقهی و اصولی اهل تسنن - مثل اشاعره و معتزله، مثل حنابله و احناف و شافعیه و اینها - هم بین فرق مختلف شیعه، بین خودشان، اختلافاتی وجود داشته است» (۱۳۸۵/۱۰/۲۵).

«اگر کسی برای اثبات مذهب خود تلاش علمی بکند، من آن را رد نمی‌کنم. هم شیعه، هم سنی، هم هر مؤمن به نحله‌ای، به عقیده‌ای و به طریقه‌ای، حق دارد طریقه خودش را اثبات کند. این، چیز دیگری است؛ ما آن را رد نمی‌کنیم. آنچه که ما رد می‌کنیم، تلاش برای معارضه، کوبیدن، اهانت کردن و نفی موجودیت طرف مقابل است؛ این غلط است. در بحث علمی، طبیعی است که هرکس عقیده‌ای دارد. اثبات آن عقیده، به معنای نفی و رد عقاید دیگری، و استدلال بر عقیده خود است. همه اینها مفهوم قابل درک و قابل تحمل است. همین بحثها هم همیشه دامنه تفکر را گسترش می‌دهد، تعمیق می‌کند و پیش می‌برد؛ مانعی ندارد (۱۳۷۰/۷/۱).

ب) تحریم اهانت به مقدسات یکدیگر: «اینجانب همچون بسیاری از علمای اسلام و دلسوزان امت اسلامی بار دیگر اعلام می‌کنم که هر گفته و عملی که موجب برافروختن آتش اختلافات میان مسلمانان شود و نیز اهانت به مقدسات هریک از گروههای مسلمان یا تکفیر یکی از مذاهب اسلامی، خدمت به اردوگاه کفر و شرک و خیانت به اسلام، و حرام شرعی است» (۱۳۹۲/۷/۱۹).

«من اعلام کردم، باز هم تأکید می‌کنم. خط قرمز از نظر نظام اسلامی و از نظر ما، عبارت است از اهانت به مقدسات یکدیگر. آن کسانی که نادانسته، از روی غفلت، گاهی از روی تعصبات کور و بیجا، چه سنی و چه شیعه، به

مقدسات یکدیگر توهین می‌کنند، نمی‌فهمند چه می‌کنند. بهترین وسیله برای دشمن همینها هستند؛ بهترین ابزار در دست دشمن همینها هستند؛ این خط قرمز است» (۱۳۸۸/۰۲/۲۹).

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین اقدام عملی اخیر مقام معظم رهبری، تحریم اهانت به مقدسات برادران اهل سنت بود که در سال ۱۳۸۹ در پاسخ به استفتایی از سوی برخی علما و فرهیختگان منطقه احساء عربستان در مورد اهانت به عایشه اعلام کردند: «اهانت به نمادهای برادران اهل سنت از جمله اتهام زنی به همسر پیامبر اسلام [عایشه] حرام است. این موضوع شامل زنان همه پیامبران و به ویژه سید الانبیا پیامبر اعظم حضرت محمد(ص) می‌شود (http://www.khabaronline.ir).

این فتوا با استقبال کم‌نظیر علما و مسلمانان در جهان اسلام مواجه گردید. که لازم است طرفین در سایر موارد ممکن اقدامات مشابهی انجام دهند.

۲) تمرکز و اهتمام جدی بر تقویت باورها و ارزشهای مشترک

برخورداری از مبانی و اصول فکری مشترک که بسیار فراوان‌تر از موارد اختلاف و افتراق است، می‌تواند نقاط قوت ارزشمندی برای تقویت وحدت و تقریب هرچه بیشتر امت اسلامی باشد. تمرکز و توجه به باورهای مشترکی همچون دین واحد، خدای واحد، قبله واحد، قرآن واحد، پیامبر واحد و ... و ترویج و تبلیغ دین بر حول محور این معارف ناب برای مسلمانان و پیروان مذاهب یقیناً دل‌های آنان را به هم نزدیک و صمیمی خواهد نمود. مقام معظم رهبری بارها بر این نکته تأکید داشته و می‌گوید: «امروز دشمن واحدی در مقابل ماست؛ علاوه بر اینکه کتاب واحد، سنت واحد، پیغمبر واحد، قبله واحد، کعبه واحد، حج واحد، عبادات واحد، اصول اعتقادی واحد در جامعه اسلامی است. البته اختلافاتی هم وجود دارد. اختلافات علمی ممکن است بین هر دو نفر عالم باشد. علاوه بر اینها، دشمن واحد در مقابل دنیای اسلام است. مسئله اتحاد بین مسلمانان یک امر جدی است. با این مسئله، باید این‌طور برخورد شود. هر روزی که این قضیه دیر شود، دنیای اسلام یک روز خسارت کرده و این روزها، روزهایی است که بعضی آن چنان حساس است که در یک عمر اثر می‌گذارد. نباید بگذارید دیر شود» (۱۳۷۴/۵/۲۴).

«می‌خواهیم به همه مسلمانان - از شیعه و سنی - بگوییم و تذکر بدهیم که شما یک نقاط مشترک و یک نقاط اختلاف و افتراق دارید. در بعضی چیزها، باهم شریکید و یک‌طور فکر و عمل می‌کنید و در بعضی چیزها، هر فرقه روش خود را دارد. نکته این است که اولاً، آن نقاط اشتراک بیشتر از نقاط افتراق است؛ یعنی همه مسلمانان، به خدای واحد و قبله واحد و پیامبر واحد و احکام و نماز و روزه و زکات و حج اعتقاد دارند. شما دو نفر مسلمان را پیدا نمی‌کنید که وقتی صبح می‌شود، برای نماز بلند نشود؛ مگر اینکه بخواهد به تکلیفش عمل نکند، والا همه

مسلمانان عالم معتقدند که صبح و ظهر و عصر و شب، باید نماز خواند و مستحب است که در نیمه شب، نماز شب بجا آورد. همه مسلمانان عالم معتقدند که نماز را باید به طرف کعبه و به زبان قرآن و از آیات قرآن خواند. همه مسلمانان عالم، ماه رمضان که فرا می‌رسد، آن وقتی که فهمیدند روز اول ماه است، روزه می‌گیرند» (۱۳۶۸/۰۷/۱۹).

ایشان در فرازی دیگر از سخنان خود می‌گویند: «مشترکات بزرگی وجود دارد؛ گرد این محور همه مجتمع شوند. همدیگر را تحمل کنید. اصولی هست، محورهایی هست؛ اصل این است که در این اصول همدل باشیم. ممکن است در صد تا از فروع، افراد با همدیگر اختلاف داشته باشند، باشد؛ این منافات ندارد با اجتماع، با جمیع شدن، مجتمع شدن؛ اینها باید ملاک باشد. در گفتارمان مراقب باشیم. رد دیگران، طرد دیگران، به طور مطلق در سر مسائل درجه دو، مصلحت نیست» (۱۳۸۶/۱/۱۷ و ۱۳۸۸/۵/۳).

ایشان سپس به معرفی و تبیین نقش هریک از مبانی و اصول پرداخته که برخی از آنها را ذکر می‌کنیم:

۱. دین اسلام: «همه ملت ایران، این درس پرمغز و کوتاه را از امام عزیزمان به یاد داشته باشند و وحدت کلمه بر محور اسلام را فراموش نکنند: به ریسمان الهی چنگ زنید و بر محور اسلام متحد شوید. این اتحاد، علاج همه دردها و کوبنده تمام دشمنان است. اکسیر اعظم برای پیروزی ملت ایران، همین یک نکته است: اتحاد کلمه بر اساس اسلام» (۱۳۷۰/۳/۲۶).

۲. قرآن کریم: «امروز دنیای اسلام بیش از همیشه، به اتحاد و یکدلی و تمسک به قرآن نیازمند است. قرآن می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، ۱۰۳)، اعتصام به حبل الله برای هر مسلمان یک وظیفه است؛ اما قرآن اکتفا نمی‌کند به اینکه ما را به اعتصام به حبل الله امر کند، بلکه به ما می‌گوید که اعتصام به حبل الله را در هیئت اجتماع انجام بدهید؛ «جمیعاً»؛ همه باهم اعتصام کنید» (۱۳۸۳/۱۰/۲۹ و ۱۳۸۵/۵/۳۰).

۳. پیامبر اکرم (ص): در منظومه کلام مقام معظم رهبری در باره وحدت، شخصیت پیامبر اکرم (ص) از جایگاه مهمی برخوردار است. ایشان در این رابطه می‌گویند: «توصیه به برادران مسلمان این است که امروز اتحاد بین مسلمانان، برای مسلمانان یک ضرورت حیاتی است. شوخی و شعار نیست؛ جداً باید جوامع اسلامی با یکدیگر اتحاد کلمه پیدا کنند و همسو حرکت نمایند. یکی از عواملی که می‌تواند در این زمینه مرکز باشد، عبارت است از وجود مقدس نبی اکرم (ص). مسلمانان و روشنفکران اسلامی باید بر روی شخصیت و تعالیم این بزرگوار و محبت به این بزرگوار، با دید همه‌گیر نسبت به اسلام سرمایه‌گذاری کنند. وجود نبی مکرم اسلام (ص)، بزرگ‌ترین مایه وحدت در همه ادوار اسلامی بوده است و امروز هم می‌تواند باشد؛ چون اعتقاد آحاد مسلمانان به آن وجود اقدس بزرگوار، با عاطفه و

عشق توأم است و بنابراین آن بزرگوار، مرکز و محور عواطف و عقاید همه مسلمانها است و همین محوریت، یکی از موجبات انس دل‌های مسلمانان و نزدیکی فرق اسلامی با یکدیگر به حساب می‌آید. توصیه ما به همه مسلمانان عالم این است که روی ابعاد شخصیت پیامبر و زندگی و سیره و اخلاق آن حضرت و تعالیمی که از آن بزرگوار مأثور و منصوص است، کار زیادی بشود» (۱۳۷۴/۵/۲۴ و ۱۳۶۸/۷/۲۴).

ایشان در فرازی دیگر در این باره می‌گویند: «عزیزان من! مسلمانان دنیا، زیر نام نبی اکرم(ص)، راحت‌تر و سهل‌تر از همه چیز، می‌توانند متحد شوند. این، خصوصیت آن بزرگوار است. من بارها عرض کرده‌ام، آن بزرگوار، مجمع و ملتقای عواطف مسلمانان است. مسلمان، به پیغمبر خود عشق می‌ورزد. خدایا! تو شاهدهی که دل‌های ما ملامال از محبت پیغمبر است. از این محبت، باید استفاده کرد. این محبت، راهگشا است. امروز مسلمانان به اخوت و برادری احتیاج دارند. امروز شعار «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات، ۱۰)، از همیشه جدی‌تر است» (۱۳۷۲/۶/۱۴).

۴. اهل‌بیت(ع): «از جمله عواملی که می‌تواند محور این وحدت قرار گیرد و همه مسلمانان می‌توانند بر آن اتفاق نظر کنند، تبعیت از اهل‌بیت پیغمبر است. اهل‌بیت پیغمبر را همه مسلمانان قبول دارند. البته شیعه اعتقاد به امامت آنان دارد؛ غیر شیعه، آنان را به معنای امامت در اصطلاح شیعی، امام نمی‌داند، لکن از بزرگان اسلام که می‌داند، خانواده پیغمبر که می‌داند، مطلع از معارف و احکام اسلامی که می‌داند. مسلمانان باید در عمل به کلمات ائمه(ع) و اهل‌بیت پیغمبر، اتفاق کلمه کنند. این یکی از وسایل وحدت است. البته این، یک کار فنی است؛ کار آسانی نیست و مقدماتی دارد. کسانی که اهل فن هستند، اهل حدیث هستند، اهل علوم وابسته به حدیث هستند، می‌دانند که مقدمات این کار چیست» (۱۳۷۴/۵/۲۴).

«مسئله غدیر هم می‌تواند مایه وحدت باشد؛ خود مسئله غدیر، غیر از جنبه‌ای که شیعه آن را به عنوان اعتقاد قبول کرده است - یعنی حکومت منصوب امیرالمؤمنین(ع) از طرف پیامبر که در حدیث غدیر آشکار است - اصل مسئله ولایت هم مطرح شده است. این دیگر شیعه و سنی ندارد. اگر امروز مسلمانان جهان و ملت‌های کشورهای اسلامی، شعار ولایت اسلامی سر دهند، بسیاری از راه‌های نرفته و گره‌های ناگشوده امت اسلامی باز خواهد شد و مشکلات کشورهای اسلامی به حل نزدیک خواهد گشت» (۱۳۷۹/۱/۶).

«امیرالمؤمنین محور وحدت است. همه دنیای اسلام در مقابل امیرالمؤمنین خاضع‌اند؛ شیعه و سنی ندارد. یک گروه کوچک به نام نواصب، دشمنان امیرالمؤمنین بودند. در طول تاریخ اسلام، هم در دوران اموی و هم دوران عباسی گروه‌هایی دشمن امیرالمؤمنین بودند؛ اما عامه دنیای اسلام - چه سنی مذهب، چه شیعه مذهب - امیرالمؤمنین را

تجلیل می‌کنند. شما ببینید ائمه فقهی اهل سنت درباره امیرالمؤمنین شعر مدح دارند. اشعار معروفی که گفته می‌شود، مال شافعی است. امام شافعی درباره امیرالمؤمنین اشعار مدح آمیز دارد. نه فقط درباره امیرالمؤمنین، بلکه درباره همه یا اغلب ائمه اینها خاضع‌اند» (۱۳۸۳/۸/۱۵).

۳) عزم و اراده جدی همه بر طرد و نفی افراط‌گرایی و خشونت‌طلبی

«جریان تکفیری خبیث که امروز در دنیای اسلام به برکت برخی از منابع مادی، متأسفانه پول و امکانات هم در اختیار دارند، یکی از مصائب اسلام است ... اینها اگر چنانچه به وسیله مسلمانها به طور کامل محکوم نشوند و بزرگان علمی و بزرگان روشنفکری و بزرگان سیاسی وظیفه خودشان را در مقابل اینها انجام ندهند، این فتنه‌ها به اینجاها منحصر نمی‌ماند؛ بلایی به جان جامعه اسلامی می‌افتد و روزه‌روز این آتش توسعه پیدا می‌کند. باید جلوی این فتنه‌ها را بگیرند؛ چه از طرق سیاسی، چه از طرق فتوهای دینی، چه از طرق مقاله‌های روشنگر نویسندگان و روشنفکران و نخبگان فکری و سیاسی در دنیا» (۱۳۹۲/۲/۱۶).

«امروز کسانی هستند که سلاحشان تکفیر است؛ ابایی هم ندارند که بگویند ما تکفیری هستیم؛ اینها سم‌اند. خب، این سم را باید از محیط اسلامی خارج کرد» (۱۳۹۰/۷/۲۰).

«ما بایستی مردم خودمان را هشیار و بیدار کنیم و خودمان مراقب باشیم. آن کسانی که بدون فهم، فهم حقیقت، بدون تقوا، جمعیت عظیمی از مسلمانان را از دین خارج می‌دانند، خارج می‌کنند، تکفیر می‌کنند، این گروه‌های تکفیری نادان، اینها را بایستی ما تا آنجایی که می‌توانیم، ارشاد کنیم؛ مردم را از اینها بترسانیم ... وظیفه علما، وظیفه سنگینی است» (۱۳۸۵/۱۰/۲۵).

علما و روشنفکران اسلام بنشینند و منشور وحدت اسلامی را تنظیم کنند؛ منشوری تهیه کنند تا فلان آدم کج فهم متعصب و وابسته به این، یا فلان، یا آن فرقه اسلامی، نتواند آزادانه جماعت کثیری از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام کند؛ تکفیر کند. تهیه منشور جزء کارهایی است که تاریخ، امروز از روشنفکران اسلامی و علمای اسلامی مطالبه می‌کند. اگر شما این کار را نکنید، نسل‌های بعد از شما مؤاخذه خواهند کرد» (۱۳۸۶/۱/۱۷).

۴) شناخت دشمنان اسلام و مسلمانان و مقابله با نقشه و توطئه آنها

بدون تردید اصلی‌ترین عامل ایجاد و ترویج اختلاف در بین مسلمانان توطئه‌های خباثت‌آمیز دشمنان است؛ زیرا مذاهب و فرقه‌های اسلامی دهها بلکه صدها سال است که در کشورهای اسلامی با یکدیگر زندگی و همزیستی مسالمت‌آمیز و همراه با صفا و صمیمیت داشته‌اند، اما ظهور و جلوه‌نمایی جاذبه و اقتدار مادی و معنوی اسلام پس از انقلاب اسلامی ایران و نفوذ آن در دل‌های انسانهای پاک که بیداری اسلامی در آسیا و آفریقا را پدید آورد، موجب

گردید تا دشمنان احساس خطر نموده و با تدبیر و برنامه‌ریزی دقیق به مقابله با آن بپردازند و هر روز برای جدایی و تفرقه مسلمانان طرحی نو در اندازند، از این رو شناساندن دشمن و نقشه‌های آن برای مسلمانان به ویژه برای خواص جوامع اسلامی، یکی از تدابیر مهم مقام رهبری در چند سال اخیر بوده است تا مسلمانان با روشن‌بینی و بصیرت به مقابله با ترفندهای آنان برخیزند.

الف) ضرورت شناخت نقشه دشمن

«نقشه دشمن را بشناسیم. اگر نقشه دشمن را، امکان تدبیر در مقابل این نقشه به وجود می‌آید؛ اما اگر نقشه دشمن را نشناختیم، امکان تدبیر وجود نخواهد داشت؛ در پیدا کردن راه خودمان اشتباه می‌کنیم، در عملکرد خودمان اشتباه می‌کنیم. نقشه دشمن این است: ملت‌های مسلمان را به یکدیگر مشغول کنند، بین اینها اختلاف به راه بیاندازند» (۱۳۹۲/۰۳/۱۷).

«به علمای محترم شیعه و سنی گفتم شما دم از وحدت می‌زنید و این خیلی خوب است و من هم از شما ممنونم؛ اما از کید دشمن غافل نباشید. دشمن از راههایی وارد می‌شود که ممکن است شما از آن غفلت کنید و به آن توجه نداشته باشید. هوشیار باشید و دشمن را در هر لباسی بشناسید: «وَلتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ» (محمد، ۳۰)؛ «از سخنانشان هم می‌توان آنها را شناخت». بدانید کسانی که شما را به واگرایی از دین، ملت و کشور سوق می‌دهند، دشمنند و دوست نیستند. کسانی که شما را به اختلافات داخلی سوق می‌دهند، دشمنند. کسانی که سعی می‌کنند دلها را نسبت به هم چرکین کنند، دشمنند. کسانی که سعی می‌کنند آرمانهای انقلاب اسلامی را دست‌نیافتنی و نظام اسلامی را ناتوان از رسیدن به آنها جلوه دهند، دشمن‌اند» (۱۳۸۱/۱۲/۱).

ب) اهداف و نقشه‌های دشمنان

۱. ایجاد اختلاف مذهبی: «یکی از راهبردهای اساسی دشمنان اسلام و به خصوص دشمنان نظام اسلامی در منطقه، راهبرد ایجاد اختلاف فرقه‌ای و مذهبی و مسئله شیعه و سنی است؛ این را توجه داشته باشید» (۱۳۹۲/۶/۱۴).

«می‌بینید دشمنی دشمنان را! می‌بینید تلاش آنها را برای نابود کردن هویت اسلامی و ایجاد اختلاف بین امت اسلامی! بنشینید علاج کنید؛ اصول را بر فروع ترجیح دهید. در فروع ممکن است افراد یک مذهب هم با همدیگر اتحاد نظر نداشته باشند؛ مانعی ندارد. ... برادران عزیز! ما امروز بیش از همه چیز، به هوشیاری و وحدت کلمه احتیاج داریم. دشمن پیچیده است و در مواجهه با انقلاب و ملت ایران، مرموزانه عمل می‌کند. غالباً لباس دشمنی نمی‌پوشد؛ بلکه با چهره نفاق، دورویی، فریب، تبلیغات، شایعه‌پراکنی، ایجاد دلسردی و زنده کردن انگیزه‌های

گوناگون قومی و تاریخی و فرقه‌ای، جلو می‌آید. به همین خاطر، با دشمن باید هوشیارانه برخورد کرد»
(۱۳۸۶/۱/۱۷ و ۱۳۶۸/۳/۱۹).

«امروز فریاد تفرقه از سوی دشمنان اسلام بلند می‌شود. مسئله شیعه و سنی را امروز آمریکاییها و انگلیسیها مطرح می‌کنند؛ این برای ما ننگ است. تحلیلگران آمریکایی و انگلیسی و غربی، جزء مسائلی که مطرح می‌کنند، روی آن مطالعه می‌کنند، روی آن تأکید می‌کنند، این است که بیایم اسلام سنی را از اسلام شیعی جدا کنیم و بین اینها درگیری به وجود بیاوریم. دشمن می‌خواهد این کار را بکند؛ همیشه همین جور بوده است. این را باید ما متوجه باشیم، بیدار باشیم. می‌خواهند ما را به همدیگر مشغول کنند تا از آن نقطه اصلی که ما باید متوجه به آن باشیم، منصرف کنند. می‌خواهند اقوام مسلمان، ملت‌های مسلمان، مذاهب مسلمان، از شیعه و سنی و غیر اینها را متوجه به هم کنند تا مسئله اسرائیل فراموش شود (۱۳۸۸/۱۲/۱۳).

۲. بهره‌برداری از جهالت، عصبیت و سطحی‌نگریها: «نگاه هوشمندانه به صحنه درگیریهای داخلی، دست دشمن را در پس این فاجعه‌ها به روشنی نشان می‌دهد. این دست غدار، بی‌شک از جهلها و عصبیتها و سطحی‌نگریها در میان جوامع ما بهره‌برداری می‌کند و بر روی آتش، بنزین می‌ریزد ... اکنون لیبی به گونه‌ای، مصر و تونس به گونه‌ای، سوریه به گونه‌ای، پاکستان به گونه‌ای، و عراق و لبنان به گونه‌ای درگیر یا در معرض این شعله‌های خطرناکند»
(۱۳۹۲/۲/۹).

۳. استفاده از همه مکانات برای مقابله با امت اسلامی: «شبکه سرطانی صهیونیسم و دولت‌مردان شرور و جنگ افروز آمریکا که امروز خطرناک‌ترین و اصلی‌ترین مرکز استکبارند، از راههای گوناگون به معارضة با امت اسلام برخاسته‌اند. از جنگ روانی و تبلیغاتی تا مقابله اقتصادی تا اقدامات عنودانه سیاسی و تا خشونت و ترور و تقابل نظامی» (پیام به حجاج، ۱۳۸۲).

۴. به شکست کشاندن بیداری اسلامی: «چند راه برای شکست وارد آوردن به بیداری اسلام - که منشأ آن هم، برافراشته شدن پرچم جمهوری اسلامی در ایران است - در مقابل آنها باقی مانده است. یک راه عمده آنها همین مسئله شیعه و سنی است که بگویند جمهوری اسلامی ایران، جمهوری شیعه است و آن را در مقابل جامعه بزرگ اهل تسنن قرار دهند؛ تعصبات و احساسات مذهبی را وارد میدان کنند. این، چیز بسیار خطرناک و مهمی است و دارند این کار را می‌کنند. دست‌های سیاست بیکار نیستند. ما همه همتان باید این باشد که این خواست استکباری را خنثی کنیم» (۱۳۸۵/۱۰/۱۸).

«امروز یکی از خطرناک‌ترین چیزهایی که نهضت بیداری اسلامی را تهدید می‌کند، اختلاف‌افکنی و تبدیل این نهضتها به معارضه‌های خونین فرقه‌ای و مذهبی و قومی و ملی است. این توطئه هم‌اکنون از سوی سرویسهای جاسوسی غرب و صهیونیسم، با کمک دلارهای نفتی و سیاست‌مداران خودفروخته، از شرق آسیا تا شمال آفریقا و به ویژه در منطقه عربی، با جد و اهتمام دنبال می‌شود و پولی که می‌توانست در خدمت بهروزی خلق خدا باشد، خرج تهدید و تکفیر و ترور و بمبگذاری و ریختن خون مسلمانان و برافروختن آتش کینه‌های درازمدت می‌گردد» (۱۳۹۲/۲/۹).

۵. تقویت ناسیونالیستی افراطی: «ملتهای اسلامی مایل به اتحادند. اما دشمن تلاش ویژه‌ای برای اخلاص در این امر انجام می‌دهد؛ یعنی از طرق مختلف سرمایه‌گذاری مادی و معنوی مخصوصی برای ایجاد تفرقه می‌کند که بخشی از این سرمایه‌گذاری، مربوط به سابق است و مثل تقویت ناسیونالیستهای افراطی، از قبل از انقلاب است. در ایران ناسیونالیسم افراطی ایرانی مآبی، در کشورهای عربی، ناسیونالیسم افراطی عربی و در کشورهای ترک زبان، ناسیونالیسم افراطی ترکی را تقویت می‌کردند. در داخل این کشورها، هر جا اقلیتی وجود داشت، به تقویت ناسیونالیسم افراطی قومی آن اقلیت می‌پرداختند. فرض بفرمایید در داخل ایران، نسبت به بعضی از اقوام ایرانی، القائنات و تلقینهایی می‌شد، تا جنبه قوم‌گرایی آنها، به شکل افراطی بروز کند. در کشورهای شمال آفریقا - در مصر و جاهای دیگر - بین بعضی از اقوام عرب که از زمانهای گذشته در آن مناطق بوده‌اند، به تقویت شعارها و احساسات قومی خاص آنها می‌پرداختند و وادارشان می‌کردند که حول آن محورها بگردند. هر جا اقلیت مذهبی بود، آن را تقویت می‌کردند؛ و هلم جراً» (۱۳۷۵/۱۱/۲۱).

۶. ترویج افراط‌گری انحرافی به نام اسلام و به نام دین و شریعت: «وجود این جریانهای تکفیری که در دنیای اسلام به وجود آمدند، برای استکبار، برای دشمنان جهان اسلام یک مزه است. اینها هستند که به جای توجه به واقعیت خبیث رژیم صهیونیستی، توجه‌ها را به جای دیگری معطوف می‌کنند. درست نقطه مقابل آنچه اسلام خواسته است اسلام از مسلمانان خواسته است که ... دست در دست یکدیگر بگذارند، اعتصام به حبل‌الله بکنند؛ این دستور اسلام است. آن وقت یک جریانی به وجود بیاید که مسلمانها را تقسیم کند به مسلم و کافر! عده‌ای را به عنوان کافر هدف قرار بدهد، مسلمانها را به جان هم بیندازند! چه کسی می‌تواند شک کند که وجود این جریانها و پشتیبانی این جریانها و تمویل این جریانها و دادن سلاح به اینها کار استکبار است و کار دستگاههای امنیتی خبیث دولتهای استکباری است؟ می‌نشینند و برای همین کار برنامه‌ریزی می‌کنند» (۱۳۹۲/۱۰/۲۹).

«این حرکت از سوی استکبار در این سه چهار سال اخیر که موج بیداری اسلامی در تعدادی از کشورهای اسلامی و عربی به وجود آمد، تشدید شده است؛ برای اینکه بیداری اسلامی را تحت الشعاع قرار بدهند. هم مسلمانها را به

جان هم می‌اندازند، هم با بزرگ‌نمایی دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن، اسلام را در چشم افکار عمومی دنیا زشت جلوه می‌دهند؛ وقتی تلویزیونها یک آدمی را نشان می‌دهند که به نام اسلام، جگر یک انسانی را دارد می‌جود و می‌خورد، درباره اسلام چه فکر می‌کنند؟ دشمنان اسلام برنامه‌ریزی کردند؛ اینها چیزهایی نیست که دفعتاً به وجود بیاید، اینها چیزهای خلق الساعه نیست؛ پشت سر اینها سیاست هست» (۱۳۹۲/۱۰/۲۹).

«جنگهای داخلی، عصبیتهای کور دینی و مذهبی؛ بی‌ثباتیهای سیاسی؛ رواج تروریسم قساوت‌آمیز؛ ظهور گروهها و جریانهای افراطگر که به شیوه اقوام وحشی تاریخ، سینه انسانها را می‌شکافند و قلب آنان را با دندان می‌درند؛ مسلحینی که کودکان و زنان را می‌کشند و مردان را سر می‌برند و به نوامیس تجاوز می‌کنند و حتی در مواردی این جنایات شرم‌آور و مضمئنکننده را به نام و زیر پرچم دین مرتکب می‌شوند، همه و همه محصول نقشه شیطانی و استکباری سرویسهای امنیتی بیگانگان و عوامل حکومتی همدست آنان در منطقه است که در زمینه‌های مستعد داخلی کشورها امکان وقوع می‌یابد و روز ملتها را سیاه و کام آنان را تلخ می‌کنند» (۱۳۹۲/۸/۲).

۵) استفاده از ظرفیتهای عظیم جهان اسلام

۱. ایام و مراسم حج: کعبه، رمز وحدت و عزت و نماد توحید و معنویت است و حج، یک حرکت دسته‌جمعی است و تمرین و نمایش اتحاد و پیوستگی امت اسلامی است. مقام معظم رهبری همه ساله در پیام وحدت‌بخش خود به امت اسلامی و حجاج بیت‌الله الحرام و ظرفیت بی‌نظیر حج را یادآور می‌شوند. ایشان در یکی از پیامهای خود می‌فرمایند: «حج برای امت اسلامی یک فرصت است. در این خیل عظیمی که در حج هر سال شرکت می‌کنند، شما یک مقطع ۱۰ ساله را در نظر بگیرید، ببینید در این ده سال چند میلیون انسان از آفریقا، از آسیا، از اروپا، از همه مناطق عالم - زن، مرد، باسواد، کم‌سواد، دارای سلاقی مختلف - شرکت می‌کنند. اگر ندای اتحاد اسلامی، «وَلَا تَفْرَقُوا» این مجموعه حاکم باشد، شما ببینید چه اتفاق عظیمی می‌افتد. دیگر همه این مایه‌های اختلاف کمرنگ می‌شود. یکی سنی است، یکی شیعه است؛ در بین شیعه فرق مختلف، در بین سنی فرق مختلف؛ فقه‌های مختلف، مذهبهای مختلف، عاداتهای مختلف است که به طور طبیعی به جدایی می‌انجامد. همه اینها را این دست مهربان حج جمع می‌کند، به هم نزدیک می‌کند، درهم فشرده می‌کند» (۱۳۸۷/۸/۱۵).

ایشان در پیام سال ۱۳۸۴ خود می‌گویند: «شکوه و جلال این گردهمایی بی‌نظیر، ما را با واقعیت امت عظیم اسلامی که فراتر از ملتها و نژادها و رنگها و زبانها است، آشنا می‌سازد. این جمع درهم تنیده و هماهنگ، این زبانها که همه به یک سخن مترنم‌اند، این تنها و دلها که همه به یک قبله رو می‌آورند، این انسانها که دهها کشور و ملت را نمایندگی می‌کنند، همه متعلق به یک واحد و یک مجموعه عظیم‌اند، و آن امت اسلامی است».

۲. منابع فراوان مادی، دولتها و ملت‌های اسلامی: «امروز در دنیای اسلام، پول زیاد است، فکر زیاد است، نیروی انسانی قابل‌ی وجود دارد، جمع‌کثیری از علما، شعرا، نویسندگان، هنرمندان و شخصیت‌های سیاسی قابل در دنیای اسلام هستند و بخش عمده‌ای از منابع عظیم مالی و منابع زیرزمینی معادن خداداد زیرزمینی در اختیار کشورهای اسلامی است. اگر اینها با هم همسو باشند، یا لاقلاً علیه هم کار نکنند، ببینید در دنیا چه اتفاقی خواهد افتاد! دشمن کاری می‌کند که در دنیای اسلام، همه این منابع انسانی و مالی، در مقابل هم قرار گیرد» (۱۳۷۴/۵/۲۴).

«انسجام اسلامی در یک وجه، خود ناظر به همه دنیای اسلامی است، باید با هم منسجم باشند؛ باید به یکدیگر کمک کنند؛ هم دولتهای اسلامی، هم ملت‌های اسلامی. دولتهای اسلامی در استفاده از ظرفیت ملت‌های اسلامی برای ایجاد این وحدت بزرگ، می‌توانند سهم و نقش داشته باشند (۱۳۸۶/۱/۱۷).

«امروز وحدت دنیای اسلام، یک هدف اعلا است که اگر این وحدت حاصل شد، آن وقت دنیای اسلام حقیقتاً می‌تواند به عزت کامل و عمل به احکام اسلامی دست پیدا کند؛ می‌تواند این کار را هم بکند. هم دولتها باید کمک کنند، هم ملت‌ها باید کمک کنند» (۱۳۸۵/۱۰/۲۵).

۳. تنوع اقوام ایرانی: «عزیزان من! این را همه بدانند؛ نظام اسلامی تنوع اقوام را در کشور بزرگ و سرفرازمان یک فرصت می‌داند. سنت‌های مختلف، آداب و عادات مختلف و استعداد‌های گوناگون و متنوع، یک فرصت است که اجزای گوناگون این ملت بتوانند یکدیگر را تکمیل کنند، با مراودات درست و با همزیستی و اتحاد کامل. برای ملت ما این یک افتخار است که چنین نگاهی به مسئله تنوع اقوام دارد. علت هم این است که اسلام منبع الهام این نظام است و در این نگاه اسلامی، بین نژادهای مختلف و زبانهای مختلف - ولو از ملت‌های گوناگون - تفاوتی نیست، چه برسد به اقوام مختلف در میان یک ملت. نگاه اسلام این است و نگاه نظام اسلامی هم این است» (۱۳۸۸/۲/۲۲).

«اقوام ایرانی یک فرصتند. ما اگر اقوام ایرانی را در میدان رقابت مسابقه‌آمیز به سمت خیرات بیندازیم، بسیار کار خوب و درستی انجام گرفته است. هر قومی از اقوام ایرانی - چه کرد، چه فارس، چه ترک، چه بلوچ، چه عرب، چه ترکمن، چه لر - سعی کند با همان روحیه قومی، در جهت پیشرفت ملی - نه صرفاً پیشرفت قومی - گام‌های بلندتری بردارد. این خیلی چیز عالی‌ای است» (۱۳۸۸/۲/۲۷).

۴. هفته وحدت: «این هفته وحدت، این هفته مشترک الاحترام بین مسلمانان را قدر بدانید. همه سعی کنند وحدت و اتحاد نیروها و در یک جبهه قرار گرفتن نیروهای مسلمانان را - که رمز سعادت و مایه سربلندی مسلمانان و بزرگ‌ترین حربه ملت‌ها در مقابل استکبار جهانی است - مغتنم بشمارند و قدر بدانند» (۱۳۷۵/۵/۱۳).

«من توصیه می‌کنم هفته وحدت را - که به مناسبت میلاد نبی اکرم(ص) از روز دوازدهم تا هفدهم ربیع‌الاول ادامه دارد - همه آحاد مردم، مخصوصاً علما و فضلا و گویندگان و دانشمندان و افراد صاحب نفوذ گرامی بدارند و این مسئله را به عنوان یک شعار جمهوری اسلامی همیشه نگه دارند» (۱۳۶۸/۰۷/۱۹).

۵. قدس و فلسطین: «ملت‌های مسلمان وظیفه سنگین‌تری دارند؛ دولتهای مسلمان هم وظایف بزرگی دارند. ایران اسلامی، ملتش و دولتش، همدوش، هم‌آوا و هماهنگ با ملت فلسطین همدردی می‌کند؛ با آنها همراهی می‌کند؛ در میدانهای مختلف، در میدانهای گوناگون، این ملت را مورد حمایت قرار می‌دهد. این وظیفه همه دولتهاست. امروز ملت فلسطین به حق از امت اسلامی انتظاراتی دارد؛ از دولتهای اسلامی هم توقعاتی دارد. امروز امت بزرگ اسلامی هم از دولتهای اسلامی - به خصوص دولتهای عربی - انتظار دارد که روابط خود را با صهیونیسم غاصب و ظالم و گستاخ، قطع کنند» (۱۳۷۹/۷/۱۸).

«اگر امروز ملت فلسطین دچار چنین سرنوشت تلخی شده است؛ اگر امروز بیکر ملت فلسطین خون‌آلود است و مصیبت و غم آن ملت تا اعماق جان انسانهای دردمند نفوذ کرده است، به خاطر اختلاف کلمه مسلمانان است. اگر وحدت کلمه بود، این وضعیت به وجود نمی‌آمد. اگر عراق اسلامی زیر چکمه اشغالگران درآمده است، به خاطر اختلاف کلمه مسلمانان است؛ اگر امروز کشورهای خاورمیانه با فریادهای مستانه و مغرورانه آمریکا مستقیماً تهدید می‌شوند، به خاطر اختلاف کلمه مسلمانان است و اگر مسلمانان می‌خواهند از این خفت نجات پیدا کنند و اگر می‌خواهند فلسطین را نجات دهند و اگر می‌خواهند در افغانستان و عراق و سایر بلاد اسلامی، دشمن نتواند جسم و جان مسلمانان را زیر فشار قرار دهد، راهش در وحدت کلمه و وحدت ملت‌ها، دولتها و وحدت شعارها است» (۱۳۸۲/۹/۵).

۶) بیداری اسلامی

«ابعاد این بیداری مبارک بسی گسترده و دارای امتدادی رمزگونه است؛ ولی آنچه از دستاوردهای نقد آن در چند کشور شمال آفریقا دیده شد، می‌تواند دل‌ها را به نتایج بزرگ و شگرف آینده به اطمینان برساند. همواره تحقق معجزگون وعده‌های الهی، نشانه امیدبخشی است که تحقق وعده‌های بزرگ‌تر را نوید می‌دهد» (۱۳۹۲/۲/۹).

موضوع بیداری اسلامی امروزه در صدر فهرست مسائل جهان اسلام و امت اسلامی است؛ پدیده شگرفی است که «اگر باذن‌الله سالم بماند و ادامه یابد، قادر خواهد بود سریر آوردن تمدن اسلامی را در چشم‌اندازی نه چندان دوردست، برای امت اسلامی و آن‌گاه برای جهان بشریت رقم زند. آنچه امروز در برابر چشم ما است و هیچ انسان مطلع و هوشمندی نمی‌تواند آن را انکار کند، آن است که اکنون اسلام از حاشیه معادلات اجتماعی و سیاسی جهان

خارج شده و در مرکز عناصر تعیین کننده حوادث عالم، جایگاهی برجسته و نمایان یافته است ... این نخستین اثری است که حوادث سیاسی و انقلابی در شمال آفریقا و منطقه عربی، در مقیاس جهانی بر جای گذاشته است، و خود مبشر حقایق بزرگ‌تری است که در آینده اتفاق خواهد افتاد» (۱۳۹۲/۲/۹).

«بی‌شک دوران کنونی، دوران بیداری و هویت‌یابی مسلمانان است؛ این حقیقت را از خلال چالشهایی که کشورهای مسلمان با آن روبه‌رو شده‌اند نیز به روشنی می‌توان دریافت. درست در همین شرایط است که عزم و اراده متکی به ایمان و توکل و بصیرت و تدبیر، می‌تواند ملت‌های مسلمان را در این چالشها به پیروزی و سرافرازی برساند و عزت و کرامت را در سرنوشت آنان رقم زند» (۱۳۹۲/۷/۱۹).

۷) علما و اندیشمندان

از بزرگ‌ترین ظرفیتهای معنوی جهان اسلام وجود هزاران اندیشمند و عالم فرهیخته‌ای است که در اقصی نقاط کشورهای اسلامی به تلاشهای علمی و مجاهدت و هدایت امت اسلامی مشغولند، عمده خطابه‌ها و توصیه‌های مقام معظم رهبری متوجه این طیف از پیکره امت اسلامی است. ایشان درباره نقش عالمان در هدایت و همدردی با مردم می‌فرماید: «روحانیان و رجال دین‌شناس کمابیش در همه جا مرجع فکری و سنگ صبور روحی مردم بوده‌اند و هر جا که در هنگامه تحولات بزرگ، در نقش هدایتگر و پیشرو ظاهر شده و در پیشاپیش صفوف مردم در مواجهه با خطرات حرکت کرده‌اند، پیوند فکری میان آنان و مردم افزایش یافته و انگشت اشاره آنان در نشان دادن راه به مردم، اثرگذارتر بوده است. این به همان اندازه که برای نهضت بیداری اسلامی دارای سود و برکت است، برای دشمنان امت و کینه‌ورزان با اسلام و مخالفان حاکمیت ارزشهای اسلامی، دغدغه‌آفرین و نامطلوب است و سعی می‌کنند این مرجعیت فکری را از پایگاههای دینی سلب کرده و قطبهای جدیدی برای آن بترانند» (۱۳۹۲/۲/۹).

در این قسمت به رسالت و کارکرد علما و نخبگان جهان اسلام از دیدگاه معظم له می‌پردازیم:

الف) اهتمام علمای شیعه و سنی به حفظ وحدت: «من عرض می‌کنم علمای شیعه و سنی، در هر جای دنیا که هستند، و از جمله در کشور عزیز ما، باید مواظب باشند. این وحدت در ایران، گران به دست آمده است. این ندای وحدت در دنیا، گران جا افتاده است. این را آسان نشکنید! هر که بشکند خیانت کرده است؛ هر که می‌خواهد باشد. فرقی نمی‌کند سنی باشد یا شیعه» (۱۳۷۲/۰۶/۱۴).

ب) زمان‌شناسی علما برای تحقق تقریب: «امروز تقریب یک هدف فوری، یک غرض الهی و یک فکر حیاتی است و باید دنبال بشود. این خلأ زمان است - بیش از همه زمانهای دیگر - ما باید آن را پر کنیم. خوشا به حال انسانهایی که بتوانند خلأ زمان خودشان را پر کنند؛ خواست لحظه را بفهمند و آن را برآورده نمایند. بعضی کارها اگر

در لحظه خاصی انجام بگیرد، مفید است؛ اگر در آن لحظه انجام نگیرد، ای بسا آن فایده را نخواهد داشت» (۱۳۷۰/۷/۱).

ج) انطباق دیدگاههای مذاهب و نزدیک کردن فتاوی به یکدیگر: «علمای اسلامی باید کوشش کنند. فقها و متکلمان و فلاسفه اسلامی بنشینند آراء را با یکدیگر تطبیق کنند و آنها را در مجموعه‌هایی جمع نمایند تا نظرات فرقی مختلف اسلامی در مجموعه واحد و با نگاه مساعد به یکدیگر، در اختیار همه مسلمانان قرار بگیرد. این، از جمله کارهای بسیار لازم و ضروری است ... فرقی گوناگون مسلمانان سعی کنند خودشان را به یکدیگر نزدیک کنند و تفاهم ایجاد نمایند و مذاهب فقهی را با هم مقایسه و منطبق کنند. بسیاری از فتاوی فقها و علما هست که اگر مورد بحث فقهی عالمانه قرار بگیرد، ممکن است با مختصر تغییری، فتاوی دو مذهب به هم نزدیک شود» (۱۳۶۸/۷/۲۴) و (۱۳۶۸/۷/۲۴).

د) گفتگو و مباحثه علمای فرقه‌های اسلامی برای رفع سوء تفاهمات و تعدیل و تقریب فکری: «امروز دنیای اسلام نیازمند این تقریب است. در این تقریب غرض این است که فرقه‌های اسلامی، در مقام فکر و اعتقاد به یکدیگر نزدیک بشوند. ای بسا برخی از تصورات فرقی نسبت به یکدیگر، با مباحثه و مذاکره، به استنتاج خوبی منتهی بشود. شاید بعضی از سوء تفاهمها برطرف و بعضی از عقاید تعدیل، و بعضی از افکار به طور واقعی به هم نزدیک بشود. البته اگر این بشود، بسیار بهتر از هر شکل دیگر است؛ حداقل این است که بر روی مشترکات تأکید بشود. این گفتگوها و مذاکرات، کمترین فایده‌اش این خواهد بود» (۱۳۷۰/۷/۱).

ه) بهره‌گیری از تحقیق و پژوهشهای یکدیگر: «در مرحله فقهی نیز تبادل نظر بین مذاهب مختلف، در بسیاری از ابواب فقهی، به فتاوی نزدیک، بلکه واحدی منتهی خواهد شد. بعضی از فرقی اسلامی، در برخی از ابواب فقهی، تحقیقات و پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای دارند؛ دیگران می‌توانند از آنها استفاده کنند. گاهی ممکن است در برخی از احکام و استنباطات اسلامی از کتاب و سنت، نوآوری‌هایی در اختیار بعضی از فرقی اسلامی باشد؛ دیگران از آن استفاده خواهند کرد و به فتاوی نزدیک به هم یا مشترکی خواهند رسید» (۱۳۷۰/۷/۱).

و) برگزاری جلسات و انجام کارهای مشترک: «علمای شیعه و سنی با هم جلسه بگذارند، تفاهم کنند، با هم حرف بزنند. ما کارهای مشترکی داریم. خیلی خوب؛ شما فقه خودت را تبیین کن، تدریس کن، شما هم فقه خودت را تبیین کن، تدریس کن. شما فقه جعفری بگو، شما فقه شافعی بگو. عقایدتان را داشته باشید، اما کارهای مشترک هم می‌توانید بکنید. بنشینند این کار را بکنند؛ منتها نه در منظر و مرئای مردم، بلکه در جلسات علمی بنشینند با هم بحث کنند؛ او استدلالش را بگوید، آن استدلالش را بگوید؛ یا یکی قانع می‌شود، یا قانع نمی‌شود؛ اینها اشکال ندارد؛

لیکن علی‌رغم همه اینها، یک امور مشترکی وجود دارد؛ یک دردهای مشترکی هست که درمانهای مشترکی دارد. عالم شیعه در بین مردم خود، عالم سنی در بین مردم خود نفوذ دارند؛ از این نفوذ استفاده کنند، این مشکلات مشترک را برطرف کنند» (۱۳۹۰/۰۷/۲۰).

ز) ارائه و تبیین نمونه‌های عملی تقریب: «شما می‌بینید برجستگان مبارزه با استعمار و استکبار، روی مسئله «وحدت امت اسلامی» تکیه مضاعف کرده‌اند. شما ببینید سید جمال‌الدین اسدآبادی معروف به افغانی و شاگرد او شیخ محمد عبده و دیگران و دیگران، و از علمای شیعه مرحوم شرف‌الدین عاملی و بزرگان دیگری، چه تلاشی کردند برای اینکه در مقابله با استعمار نگذارند این وسیله راحت در دست استعمار، به یک حربه علیه دنیای اسلام تبدیل شود. امام بزرگوار ما از اول بر قضیه وحدت اسلامی اصرار می‌کرد» (۱۳۸۵/۱۰/۲۵).

«نام رهبران و شخصیت‌های برجسته چون سید جمال‌الدین و محمد عبده و میرزای شیرازی و آخوند خراسانی و محمود الحسن و محمدعلی و شیخ فضل‌الله و حاج آقا نورالله و ابوالاعلی مودودی و دهها روحانی معروف بزرگ و مجاهد و منتفذ از کشورهای ایران و مصر و هند و عراق در صفحات تاریخ برای همیشه ثبت و ضبط است. در دوران معاصر هم نام درخشان امام خمینی عظیم چون ستاره پرفروغی بر تارک انقلاب اسلامی ایران می‌درخشد. در این میان، صدها عالم معروف و هزاران عالم غیر معروف نیز، امروز و دیروز، نقش‌آفرین حوادث اصلاحی بزرگ و کوچک در کشورهای گوناگون بوده‌اند. فهرست مصلحان دینی از قشرهای غیرروحانی همچون حسن‌البناء و اقبال لاهوری نیز بلند و اعجاب‌انگیز است» (۱۳۹۲/۲/۹).

«ما در میان خودمان و در جوامع دیگر، به خصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مکرر این را دیده‌ایم که برادران شیعه و سنی کنار هم می‌نشینند و در مسائل عملی و سیاسی و مسائل مربوط به سرنوشت اسلام، طوری با هم تبادل نظر می‌کنند که اصلاً به یادشان نیست که این مذهبش چیست و آن مذهبش چیست. ما همواره این احساس را در خودمان مشاهده کرده‌ایم و در بسیاری از معاشرانمان از اصحاب مذاهب مختلف، این را دیده‌ایم» (۱۳۷۰/۷/۱).

ح) تدوین آثار مفید و جلوگیری از نشر کتب و آثار تفرقه‌انگیز: «یکی از موارد توجه این مجمع (مجمع تقریب مذاهب) باید همین مورد باشد. بحث مذهبی بکنند، کتابهای متعدد بنویسند، استدلال‌ات کلامی بکنند و فضایل مورد نظر خودشان را در کتابها بیاورند - این مقوله دیگری است - اما آثاری را که موجب تفرقه، کینه و تعمیق بغض است، منتشر نکنند؛ روی این نکته باید فکر بشود. ببینیم این مجمع واقعاً چگونه می‌تواند به شکل مناسبی بر این معنا اشراف و نظارتی پیدا کند» (۱۳۷۰/۷/۱).

«البته یکی از کارهایی که باید انجام بگیرد، تلاش برای جلوگیری از نشر آثار تفرقه‌انگیز است؛ چه در محیط شیعی، چه در محیط سنی. الان برای ایجاد بغض و کینه، آثاری نوشته می‌شود و پولهایی خرج می‌شود. اگر بتوانیم، باید جلوی اینها را بگیریم. این‌گونه آثار، همه‌جا هم منتشر می‌شود. ما نمی‌گوییم که در ایران مطلقاً منتشر نمی‌شود؛ نه خیر، در ایران هم متأسفانه مواردی مشاهده می‌شود. آثار کینه‌برانگیز و تفرقه‌انگیزی از طرفین منتشر می‌شود» (۱۳۷۰/۷/۱).

ط) عدم طرح مسائل تفرقه‌انگیز: «بزرگان علما، چه شیعه، چه سنی، چه در ایران، چه در مناطق دیگر، توجه بکنند که اختلافات بین فرقه‌های اسلامی نباید موجب بشود که ما یک جبهه جدیدی در مقابل خودمان باز کنیم و از دشمن اصلی که دشمن اصل اسلام و دشمن استقلال و دشمن بهروزی مردم منطقه است، غافل بمانیم» (۱۳۹۲/۶/۱۴).

«مبادا دستهای تفرقه‌افکن و مغرض و یا نادان - که گاهی ضرر آدمهای نادان از آدمهای مغرض کمتر نیست - با حرف و شعار و نطقی، ایجاد اختلاف کنند. مغرض و جاهل، در نتیجه عمل یکسانند. همه - مخصوصاً کسانی که زبان و حنجره‌شان برای گفتن و حرف زدن باز است - مراقب باشند با هیچ حرکت و اشاره‌ای، موجب اختلاف بین مردم نشوند. ... این، اساس قضیه است. اگر وحدت با انسجام و استحکامی که تاکنون بوده است، محفوظ بماند، مطمئناً این ملت و کشور به هدفهای انقلاب خواهد رسید (۱۳۶۸/۷/۱۹).

«همه باید هشیار باشند؛ ملت ما، زبندگان ما، مبلغان ما، روحانیون پرتلاش و خدوم ما، همه و همه توجه بکنند که حرکتی و اظهاری که به این نقشه دشمن کمک بکند، از آنها نباید سر بزند. ... بدانید آن کسانی که شیعه را علیه سنی و سنی را علیه شیعه تحریک می‌کنند، نه شیعه را دوست دارند و نه سنی را؛ با اصل اسلام دشمنند. ... دشمن از هر دو طرف تلاش می‌کند. از یک طرف غالی‌گری و ناصبی‌گری را ترویج می‌کند و شیعه را در چشم سنی، دشمن حقیقی معرفی می‌کند - بعضی از متحجرین دینی هم متأسفانه باور می‌کنند - از سوی دیگر شیعه را به اهانت به مقدسات و ارزشهای سنی وادار می‌کند. توطئه دشمن آن است که این دو مکتب را در مقابل هم قرار دهد. این اختلاف در جهت از بین بردن هویت یک ملت و در موضوعاتی ایجاد می‌شود که نباید بین آنها باشد» (۱۳۸۱/۱۲/۶ و ۱۳۸۵/۱۰/۱۸).

ی) تبلیغ و ترویج وحدت: «اتحاد را تبلیغ کنید. البته نمی‌گوییم الان اتحاد تحقق پیدا کند. طبیعی است که از حرف و عقیده و اعتقاد تا عمل فاصله ژرفی است؛ لیکن امروز اعتقاداً ترویج تفرق و تشتت می‌شود که نمونه‌هایش را می‌بینید. بایستی با این مبارزه و مقابله کرد» (۱۳۷۶/۱۲/۱۳).

«امروز بیش از همه چیز، در امت اسلامی اتحاد لازم است. وحدت پیدا کنیم، حرفمان را یکی کنیم، دلمان را یکی کنیم؛ این وظیفه یکایک کسانی است که در این امت بزرگ مسلمان قدرت تأثیرگذاری دارند. چه دولتها، چه روشنفکران، چه علما، چه فعالان گوناگون سیاسی و اجتماعی، هر کدامی در هر کشوری از کشورهای اسلامی هستند، وظیفه دارند امت اسلامی را بیدار کنند و این حقایق را به آنها بگویند» (۱۳۸۸/۱۲/۱۳).

ک) روشنگری و افشای حقایق: «نخبگان سیاسی و فرهنگی و دینی در همه جای جهان اسلام باید خود را به افشای این حقایق، متعهد بدانند. این وظیفه اخلاقی و دینی همه ما است. کشورهای شمال آفریقا که متأسفانه امروز در معرض اختلافات عمیق داخلی قرار گرفته‌اند، بیش از همه باید به این مسئولیت عظیم؛ یعنی شناخت دشمن و شیوه‌ها و ترفندهایش، توجه کنند. ادامه اختلافات میان جریانهای ملی و غفلت از خطر جنگ خانگی در این کشورها، خطر بزرگی است که خسارت آن برای امت اسلامی به این زودیها جبران نخواهد شد» (۱۳۹۲/۸/۲).

ل) ایجاد امید به پیروزی دلهای مسلمانان: «دنیاى استکبار ۶۵ سال است که با همه وجود و توان سعی در این دارد که واقعیت وجود رژیم صهیونیستی را بر ملت‌های مسلمان تحمیل کند و آنها را وادار به پذیرش این واقعیت کند، و نتوانسته است ... ۶۵ سال است که تلاش می‌کنند نام فلسطین را از یادها ببرند، [اما] نتوانستند. در همین چند سال اخیر در جنگ سی و سه روزه در لبنان، در جنگ بیست و دو روزه در غزه، و بار دوم در جنگ هشت روزه در غزه، ملت مسلمان و امت اسلامی نشان داد که زنده است و علی‌رغم سرمایه‌گذاری آمریکا و دیگر قدرتهای غربی، نتوانسته است موجودیت خود را، هویت خود را حفظ کند و به نظام تحمیلی جعلی صهیونیستی سیلی بزند» (۱۳۹۲/۱۰/۲۹).

«غرب و آمریکا و صهیونیسم، امروز از همیشه ضعیف‌ترند. گرفتاریهای اقتصادی، ناکامیهای پی‌درپی در افغانستان و عراق، اعتراضهای عمیق مردمی در آمریکا و دیگر کشورهای غربی - که دامنه آن روزبه‌روز گسترده‌تر شده است - مبارزات و جانفشانیهای مردم فلسطین و لبنان، قیامهای دلیرانه مردم در یمن و بحرین و برخی دیگر از کشورهای زیر نفوذ آمریکا، همه و همه حامل بشارتهای بزرگی برای امت اسلامی و به ویژه کشورهای انقلابی جدید است» (۱۳۹۰/۸/۵).

«من عرض بکنم بیداری اسلامی تمام شده نیست؛ این‌جور نیست که ما خیال کنیم که حالا با حوادثی که در بعضی از کشورها اتفاق افتاد، بیداری اسلامی از بین رفت. بیداری اسلامی یک حادثه سیاسی محض نبود که مثل یک کودتایی، مثل یک جابه‌جایی‌ای یکی بیاید و یکی برود، بعد دیگری بیاید او را از بین ببرد. بیداری اسلامی به معنای این بود که یک حالت تنبه و آگاهی و خودباوری با تکیه به اسلام در جوامع اسلامی پدید آمد؛ در شمال آفریقا بر

طبق یک اقتضائاتی، در مصر مثلاً یا در تونس یا قبل از اینها در سودان، حوادثی را به وجود آورد؛ در جاهای دیگر هم این زمینه بالقوه به طور کامل وجود دارد. این جور نیست که ما فکر کنیم که بیداری اسلامی از بین رفته است؛ نه، این یک واقعیتی در زیر پوست ظاهری جوامع است» (۱۳۹۲/۰۶/۱۴).

نتیجه

۱. بدون تردید امروز مسئله وحدت امت اسلامی و تلاش برای تقریب مذاهب از مهم‌ترین دغدغه‌های رهبری به منظور جلوگیری از افزایش شکاف بین کشورها و ملت‌های مسلمان است. در مجموعه سخنان ایشان به ویژه در چند سال اخیر موضوع وحدت و بیداری و توطئه و شرارت دشمنان بیشترین کلیدواژه را به خود اختصاص داده است.

۲. انتظارات و رهنمودهای ایشان در رابطه با ارائه مفهومی جامع و کاربردی از وحدت و تقریب، اهمیت و ضرورت آن، چگونگی تعامل علمای شیعه و سنی با یکدیگر در سطح ملی و جهان اسلام، نحوه مقابله با نقشه‌ها و توطئه‌های دشمنان و شناساندن ظرفیتهای امت اسلامی، طرد نفی افراط‌گرایی از سوی علمای مذاهب و امت اسلامی و ... می‌تواند اساس تدوین سیاست‌های کلان و راهکارهای اصولی و مهم برای مسئولان و مدیران در این عرصه باشند.

۳. اصلی‌ترین عامل به وجود آمدن شرایط فعلی جهان اسلام، دشمنان قسم خورده‌ای هستند که به کمتر از نابودی اسلام راضی نمی‌شوند. حقیقت غیر قابل انکار این است که امروز دشمنی با اسلام از سوی جبهه استکبار جهانی، دشمنی سازمان یافته و جدی و همه‌جانبه است. آنچه که برای استکبار مهم است، اسلام است. می‌خواهند اسلام را بزنند؛ مسئله شیعه و سنی یکی از ابزارهای مهم دشمنان برای زمین‌گیر کردن امت اسلامی است. برای آنها شیعه و سنی فرق نمی‌کند. هر ملتی، هر جمعیتی، هر شخصیتی که تمسکش به اسلام بیشتر باشد، آنها از او احساس خطر می‌کنند؛ همه کشورهای اسلامی، از همه دولت‌های اسلامی باید بصیرت را به کار بگیرند و در شناخت نقشه‌های دشمن اشتباه نکنند؛ نخبگان و علماء و روشنفکران وظیفه سنگینی در این مقطع بر دوش دارند و باید مردم را از تشدید اختلافات فرقه‌ای و مذهبی برحذر بدارند.